



۲۰۱۴/۰۴/۳۰



محمد علی سمیع

مسؤول بورد افغانستان در مرکز تحقیقاتی سیاست امنیتی و دفاعی، کشور هنگری شهر بوداپست

اشرف غنی اما به یک صورت!

افغانستان بعد از اعلان نتایج قسمی و ابتدائی انتخابات، وارد مرحله خلی جالب مبارزات انحصار قدرت از راه انتخابات، شده است. از همان اول برای همه معلوم بود که داکتر صاحب عبدالله و داکتر صاحب اشرف غنی احمدزی، دو چهره ای می باشند که در صورت رفتن انتخابات به دور دوم، به رقابت می پردازند. بعد از اعلان نتایج ابتدائی، آگاهان مسایل انتخاباتی دوباره شروع به نظریه پردازی ها کردند و نظر به دیدگاه های خاص خود پیشبینی های گوناگون را برای مردم در رسانه ها بیان می دارند. از آنجائی که در افغانستان محققین و آگاهان بی طرف وجود ندارد، غالباً افراد در رسانه ها ظاهر می شوند که در یکی از تیم های انتخاباتی، آشکار یا پنهان مصروف کمپاین می باشند و در جریان صحبت در تلویزیون ها هم از دیدگاه خاص دفاع نموده کوشش می نمایند تا اذهان عامه را به نحوی به جانب خود بکشانند.

این چنین رفتار ها باعث می شود تا طرفداران این کاندید ها که در کوچه و بازار و یا هم پتی و پلوان شب و روز در تعقیب نتایج انتخاباتی هستند، برداشت های خلی یکجانبه و غیر واقعی را مطابق به مدهوشی سیاسی خود که در جریان انتخابات دامنگیر همگی می باشد، به فکر خود راه داده برای دور دوم انتخابات خود را آماده سازند. این برداشت های یکجانبه و غیر واقعی باعث می شود تا قضاوت های منفی و غیر منطقی بالای فضای مبارزات انتخاباتی در میان مردم، حکمفرما شود و نتایج انتخابات را کاملاً خلاف انتظار طرفداران یکی از کاندید ها به بار آورد که در این مقاله به اینها می پردازیم.

شایان ذکر است که در این مقاله به افکار و برنامه های تیم داکتر اشرف غنی می پردازیم زیرا قرینه ها نشان می دهد که اشرف غنی و تیمش شروع به برنامه ریزی کمپاین خود برای دور دوم کرده اند اما داکتر عبدالله کوشش دارد تا انتخابات در دور اول به پایان رسد زیرا به تصور او موصوف برنده می باشد و به همین لحاظ انتظار نتایج نهائی می باشد.

اشرف غنی در دور اول:

چنانچه به همه معلوم است، در افغانستان مردم در مورد انتخابات و مسایل سیاسی از بابت غرق بودن در نشه قومی و زبانی بطور ناخودآگاه تصمیم می گیرند که در بیشترین موارد چنین رفتار های شرطی، باعث پشیمانی و سر در گمی فکری در میان مردم، بعد از انجام کار می شود که طرفداران اشرف غنی که، هم در همین کشتی یکجا با دیگران سوار هستند اما با اندک مدهوشی بیشتر زیرا ایشان خود را اکثریت می شمارند. چون رأی به شکل قومی و زبانی تقسیم شده است، کاندیدان تنها با ایجاد ائتلاف های جالب و خطرناک، می توانند رأی اقوام دیگر را هم به خود تخصیص بدهند که نمونه خوب آن همین دو کاندید پیشتاز فوق الذکر می باشد، اما همیشه کاندیدان پیشتاز در قدم اول رأی مرکزی خود را از قوم و یا زبان خود بدست می آورند و در دست دوم از ائتلاف های گوناگون که کاندیدان پشتون از پشتون ها و کاندیدان تاجیک از تاجیک ها قسمت بزرگ رأی خود را بدست آورده بعد با رأی ائتلاف ها تکمیلش می کنند.

در دو دور گذشته که حامد کرزی سردمدار مبارزات انتخاباتی بود، خلی بخوبی توانست مثلث پشتون - هزاره - اوزبیک را شکل دهد و خود را برنده انتخابات سازد. حامد کرزی سیاستمداری است که در سیزده سال گذشته دارای بهترین تحلیل ها در مبارزات بدست آوردن و حفظ نمودن قدرت، بوده است زیرا او میدانست اگر تکیه به رأی یک گروه که الزاماً پشتون ها می بود، کند پس بدون شک که بازنده میدان هم می بود زیرا پشتون ها با وجودی که خود را اکثریت می گویند، از لحاظ اجتماعی و امنیتی دارای استعدادی نیستند که به تنهایی، اکثریت خود را به اثبات برسانند و اگر پشتیبانی هزاره ها و اوزبیک ها را با خود نداشته باشند پس باخت حتمی را روبرو می شوند. و اگر قدرت سیاسی را از دست بدهند پس اکثریت بودن شان در سر تا سر دنیا زیر سؤال قرار خواهد گرفت که نتیجه قابل دید آن، در نتیجه انتخابات فعلی بصورت آشکار نهفته است.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آن لائن په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

نویسنده ها و آگاهان غیر مسلکی پشتون در سال های اخیر با داشتن موضعگیری های احساساتی و عاطفی، جامعه پشتون را از لحاظ فکری خیلی مدهوش و نشه ساخته اند. این موضعگیری ها همیشه در چوکات ادبیات قطب گرا در برابر دیگر طرف های سیاسی در کشور صورت گرفته است و همیشه به نحو مخالفت در برابر حضور اقوام دیگر در حکومت، صورت گرفته است و اینکه چنین افکار آهسته آهسته در میان پشتون ها عام شده، اعتبار سیاستمداران سطح عالی سیاسی ایشان در میان دیگر گروه ها اندک متزلزل گردید که به همین دلیل، نامدار ترین کاندید پشتون ها که اشرف غنی هست، نتوانست در جایگاه کرزی قرار بگیرد و قسمت چشمگیر رأی هزاره ها و اوزبیک ها را از آن خود نماید. نباید فراموش شود که داکتر زلمی رسول هم قسمت قابل ملاحظه آرای پشتون ها را از آن خود نموده است که آنهم ضربه اش به اشرف غنی وارد شده است، اما با آن هم برنده شده نمی توانست.

در کل نتایج دور از انتظار انتخابات، یک باره هراس سرتاسری را در میان پشتون ها برپا کرد. پشتون ها که زیر تأثیر صحبت های آگاهان نشنلیست خود رفته بودند و ادعای ۶۰ تا ۷۰ فیصد نفوس افغانستان را می کردند، با پیشی گرفتن عبدالله عبدالله از اشرف غنی، سخت دست و پاچه شدند زیرا داشتن ولسمشر پشتون یگانه اصلی است که دلالت بر اکثریت بودن ایشان می کند و نمی گذارد تا افکار گوناگون در نظام سیاسی کشور حکمفرما شود. خوب، از همین سبب پشتون ها آغاز به تحلیل و ارزیابی نازل بودن رأی اشرف غنی کردند. بعضی ها انگشت انتقاد را بطرف عبدالله عبدالله بلند نموده، بر او اتهام تقلب را وارد می کنند، اما بعضی دیگر متوجه مشکل اساسی پشتون ها شده، انگشت انتقاد را به طرف جامعه لجام گسیخته پشتون بلند نموده، کوشش به انسجام و یک جا سازی پشتون ها می کنند که در این مورد داکتر عبدالواسع قانع در مقاله ای تحت عنوان (پنستانه، طالبان، حزبیان او سیاست)، به بی اتفاقی پشتون ها اشاره کرده چنین می نگارد: "پنستنه د پخوا نه په هیواد کې د یو شمیر نورو قومونو لخوا د "غول" کلمه کارول کیده. هغه وخت به ما فکر کاوه چې ددې کلمې کارول د توهین په مقصد استعمالیږي، خو اوس فکرکوم چې دا کلمه د واقعیت له مخې کارول کیږي" و بعد از این مقدمه، به تشریح جامعه پاشیده پشتون ها می پردازد که خیلی دقیق می باشد.

آنچه پشتون های که مخالف روند انتخابات نیستند و طرفدار اشرف غنی و یا هم زلمی رسول بودند، با مدهوشی اکثریت بودن و تداوم تاریخی حاکمیت بیشتر از دو نیم قرن پشتون ها، چنان فکر می کردند که "اگر رأی دهند یا ندهند، ولس مشر همیشه از اکثریت تعیین می شود" و چندان سهم فعال در انتخابات از خود نشان ندادند مخصوصاً در مقایسه با اقوام غیر پشتون افغانستان. اشتراک نمودن پشتون ها در انتخابات دو دلیل تخنیکی دیگر هم دارد که:

- یکی آن مشکل امنیتی در مناطق پشتون نشین می باشد که حتی باعث شد بیش از هزار مرکز انتخاباتی در روز انتخابات باز نشود ...
- و دوم آن اجازه ندادن قشر انات به اشتراک در انتخابات می باشد.

در مورد اثبات کم اشتراک کردن پشتون ها یک فرد پشتون در ذیل خبری که تحت عنوان "د انتخاباتو یو شمیر نوری پایلی اعلان شوې- بیا هم عبدالله عبدالله مخکې دی"، صفحه فیسبوکی ویبسایت تاند، یک کامنت (تبصره) گذاشته بود که نمونه خوب در رابطه بوده می تواند، متن نوشته شده چنین می باشد: «که انتخابات دوم دوری ته لار شی زما کورنی نه فقط ما رأیی ورکړی وه د دوم ځل لپاره د کورنی ټول غړی چی تعداد اته کسه ټول به رأیی ورکړی».

تمام قرینه ها نشان میدهد که "پشتون ها جنگ را مزاح می پندارند الی وارد شدن ضربه محکم به سر شان، بعد پی می برند که در میدان جنگ واقعی قرار دارند اما آنوقت کار تمام می باشد"، چنانچه بعد از اعلان نتایج انتخابات، پی بردند که اشرف غنی کاندید برجسته، از اثر مشکلات داخلی فوق الذکر ایشان رأی قابل ملاحظه را بدست نیاورده است و از همه مهم اینکه داکتر عبدالله عبدالله که بقایای ائتلاف شمال است، انگار برنده میدان خواهد بود. جا دارد علایم باخت و برد اشرف غنی را در دور آینده هم مورد مطالعه قرار دهیم تا به همه روشنتر گردد.

اشرف غنی در دور دوم:

بستر و ساختار های باخت احتمالی اشرف غنی را در دور دوم از سه جناح باید مورد مطالعه قرار داد:

د پانو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

■ اول اینکه پشتون ها در کل از لحاظ اجتماعی و سیاسی، به دو دسته خلی خلی ناهمگون تقسیم شده اند که یکی آن همان افراطی های جنگجو، دهشت افکن و وحشت افکن و طرفداران ایشان می باشد و در سر هوای آزادی بدون قید و شرط انسانی را می پروراندند. ایشان پیرو چنان دیدگاهی هستند که کرزی، عبدالله و اشرف غنی همه بطور یکسان واجب القتل می باشند و هیچ تفاوت ندارد که کی، بر اریکه قدرت کابل تکیه می زند زیرا ایشان می گویند “امریکائی ها و کرزی که بالای ما حکومت نتوانست پس داکتر عبدالله عبدالله به هیچ وجه بالای ما حکومت نمی تواند”.

■ دوم آنده پشتون هایی که طرفدار دولت و یا هم امروز طرفدار اشرف غنی هستند، اما دوچار مشکل فکری و امنیتی هستند، نمی توانند به پای صندوق های رأی رفته سرنوشت خود و کشور خود را تعیین کنند. مشکل امنیتی ایشان همان گروه های هراس افکن است که فضای زندگی تمام پشتون ها را در افغانستان به فلاکت و در به دری برابر کرده اند و مشکل فکری آن باشد که پشتون ها فکر می کنند ایشان اکثریت هستند و اگر رأی بدهند یا نه، کاندید مورد علاقه شان کامیاب می شود که چنان نیست زیرا کمیت که کیفیت مطابق به عصر و زمان خود را به نمایش قرار ندهد، جز کتله بزرگ و بیجان چیزی دیگر نداشته نمی شود، مخصوصاً در حال حاضر که رأی کمی که از هزاره ها و اوزبیک ها برای کاندید پشتون می رسید، عملاً به دو بخش تقسیم شده است و مسؤلیت عمومی در این انتخابات در گردن خود ایشان افتاده است.

■ جناح سوم ساختار های فروکش اشرف غنی، مربوط به طبقه منورین و کمپاینر هایی که در دور دوم برای اشرف غنی کمپاین می کنند، می باشد. این تیم بعد از اعلان نتایج ابتدائی شروع به رقم زدن افکار طرفداران خود کرده است و برای پنهان نمودن ضعف ها و مشکلاتی که در بالا از آن بحث نمودیم، چنان می نمایند که اگر تقلب صورت نمی گرفت پس اشرف غنی در دور اول برنده می شد که این کار خیلی به ضرر ایشان تمام می شود و معنی آن، همان عدم موفقیت اشرف غنی در دور دوم انتخابات خواهد بود.

چرا؟!

جواب این چرا خیلی کوچک است و همین چرا است که بحث یکجانبه ما را به مقایسوی تبدیل می کند و دلایل احتمال عدم موفقیت اشرف غنی را به ما بازگو خواهد کرد.

حال که مقایسه اشرف غنی با داکتر عبدالله مطرح میشود پس کوتاه باید گفت، این دو کاندید نظر به دلایل فوق، قابل مقایسه نیستند زیرا عبدالله عبدالله با مشکلاتی که اشرف غنی روبروست، مواجه نیست. طرفداران عبدالله عبدالله با دل و جان و شور و هیجان، بدون کدام تحدید امنیتی و مشکل فرهنگی، زن و مرد و پیر و جوان در روز انتخابات به پای صندوق های رأی رفته، رأی خود را می دهند و اگر بحث اکثریت و اقلیت را مطرح کنیم پس باید گفت که “سیاهی لشکر نیاید بکار، دوصد مرد جنگی به از صد هزار”، یعنی اگر از لحاظ کمیت کم باشند پس از لحاظ کیفیت برتری چشمگیر را دارا می باشند زیرا همه به یک رهبر لیبیک گفته اند و ده کاندید را از یک گروه معرفی نکرده اند که همین برتری های تخنیکی باعث خواهد شد تا احتمالاً عبدالله عبدالله را در دور دوم برنده اعلان نمایند و عدم موفقیت را متوجه اشرف غنی بسازند.

اما به یک صورت!

اما به یک صورت علاقه مندان اشرف غنی، می توانند کاندید مورد نظر خود را به کامیابی نزدیک سازند! چنان باشد که اگر اجتماع طرفداران و منورین سیاسی متحد اشرف غنی، به تمام موارد یاد شده توجه دقیق و جدی نمایند و آنچه حقیقت است به سمع مردم خود برسانند و به انسجام و انتظام مردم برای اشتراک همگانی در انتخابات به پا خیزند و از همه مهمتر اینکه کوشش نمایند تا حرکت های مردمی را جهت حمایت از انتخابات در آن مناطق که در دور اول مسدود مانده بود، به راه بیاندازند پس می شود که اندک دیگرگون تر از امروز قضاوت نمائیم.

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي